اخلاق تربیت از منظر سهروردی

حسن محمد امین زاده*
لیلا محمد امین زاده**

مقدمه : سهروردی پیوندی بین اندیشه ایران باستان و اندیشه اسلامی ایجاد کرده است. و در تلفیق فلسفه و دین و نیز فلسفه یونانی و حکمت ایران باستان کوشید.

روش : این مقاله با هدف بررسی اخلاق تربیت از منظر سهروردی در پاسخ به نیازهای ویژه امروز عقل و عشق و معرفت شناسی و نوجویی در فلسفه سهروردی و همسویی فلسفه ایشان با نظام کیهانی و دلالت های تربیتی از دید سهروردی؛ توجه به ابعاد جسمی و روحی و بویژه بعد عاطفی و عقلانی که در تربیت لحاظ نموده و تکیه بر معیار برهان و پرهیز از تقلید صرف و استقلال فکر و مکاشفه و آموزش و پرورش همگانی و مادام العمر بودن آموزش و اعتدال در تربیت و خودباوری و ... که از جمله اصول تربیتی است که دیدگاههای این فیلسوف برآن استوار می باشد را بررسی می کند.

بحث و نتیجه گیری : پس از بررسی موضوع و تحلیل دیدگاه فلسفی این فیلسوف بزرگ از منظر ارزش شناسی و اخلاق، بویژه اخلاق تربیت، باتوجه به ارتباطات چهارگانه انسان (باخود، باخدا، باخلق خدا، باخلقت) و جهت تحقق اخلاق تربیت، مطابق مدل پیشنهادی که ترکیبی از ایدئالیسم و رئالیسم خداباورانه می باشد پیشنهاد می گردد:۱.ساختار سیستم تربیتی اصلاح و قوانین تسهیل گری جهت بهره گیری از این دیدگاه فلسفی در کشور تصویب گردد.۲. تجدید نظر اساسی در بخش های برنامه درسی کشور صورت گرفته و عناصر تعقل و تفکر،ایمان و باور، علم و عمل و اخلاق به شیوه متعادل در ارتباط با بخش های چهارگانه مذکور لحاظ شود. ۳.ضمن تأمل و تحقیق بیشتر در خصوص این دیدگاه فلسفی و بهره مندی بیشتر از آن درتربیت کشور براساس نیازجامعه به شیوه اقتضائی آن را مدیریت نمود، تربیت اخلاقی بر مبنای فلسفه تربیتی سهروردی همراه با مدیریت اقتضایی پیشنهاد می گردد.

کلید واژگان: اخلاق ، اخلاق تربیت، سهروردی،

---

*دانشجوی دوره دکتری تخصصی رشته برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک
**دانشجوی دوره دکتری تخصصی رشته برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک (کارشناسی ارشد رشته فلسفه آموزش و پرورش با گرایش تعلیم و تربیت اسلامی)
*Hm51aminzadeh@yahoo.com ** Leyla_aminzadeh63@yahoo.com

Ä » | ¬ »

• Ÿ Ë { ß È Å] Á, d Ì ¿ È • € Ÿ ½ Y ® • e Z ¥ Á² À Å €½ S » Z¾ Œ Ì z Y Š ¿ Z À ¯ Ê Z À ‡ Ì » • € ‡
¾ »•Y{É • Z ½½ Œ Ÿ Ì •] Á Ä € ¨ À ‡ Ø Ÿ § Z ¼ Â½ ù Y | À ¾ Ì Œ • ê Ä Y] [Ã { Ÿ Ê Å]½ Y » Ø Z, ¾ Æ €] e Z ¿
. d ‡ ¾ Ë Á, »Ã | À½ ¯ Z Ÿ Œ • M ½ Z ± Æ , ñ É Z Å ¿ Z Ä] À Z Ø ® Y µ Ê Ÿ Ä ¯ Ã { œ Ì] € Â y Z Ì §
, t f ¨ Â ¥ Y Ë [ ] Z Y Æ, ž » Z ¥ m Â ^ ¸ Ê ß Æ § Z Â Ê « ¿ Z É ¼ Z ‡ ¼ M ¶ Ë Ê |]] Ì ° ù ½ Z Ä ¿ ¼ Ø ½ Z • Ì ¥ ¼ ° Ì ·
Á € f ^ ³ • Â ¿ Ž, Ë Z Ì Á Y] Ê Å ³ „ Ë ^ Á ‡ Ä] , Ê « Z ¶ Ë Ê f x Ì » Ä ¥ Á €, É » { • Á - € Æ ¾ ¼ Y] Ê Ì v Ë
.(187• ,1360 , { YZ„ Ÿ ¿ d ‹ Z Ê] » € ½ Z Œ y • {
½ Z É ¿ Z Ø Å Œ Ë Æ Ê [¿ Y Œ ¶ ¨ É ê Z Å Â Ì ¼ Ë Ä € f ê ^ m • Œ] ° Ë Ê « Y € ° ‹ ¨ Ê e e • Ä Z] Á ® Y € ‹ Y
€ i € Y] É { • Á ß d Æ Ë É { • Á É Æ Z Ä Œ Ë ¶ | ¬ ¿ ¯ Y € Ä » d ‡ Ÿ Ê f ^ Å½ Z Ø Ê À m Ë Ê ß • Ø Y Ç • Z] • {
¹ Â Æ (Ê » ¿ Z ß Ä Ÿ ‡ Ë { Â Æ É Z Ä Œ Ë Æ (Ê ¿ ¿ Y Ô d ¬ Ÿ ‡ Ê W Ê Œ Æ Ä Œ Ë ¼ | Ì Ê Y ^ ¸ c S Y { Á Y € »
1387 , É { Æ] Ø Z Ì f , É] • Á , • Ê Â ¿ Ø Ê ¯ ¼ » d ‡ Ä Ø Á { Â ª ¼ y (Â Ÿ ¨ ^ ¸ Ä S Œ Ë ¶ Ÿ Ê Y « Y € ‹ Y
.(162•
Á½ Z ¼ ½ Ÿ | À , ¼ Œ Ë ¸ Ê Æ Ø Ì Ä Y € Ä m Z Ä Ì ê » Y • Â Á m Z] • € Ë « { Ô d y Ì] Æ ® Ô y Y
, Ê « Œ Ë y Z ‰ • Á Ê ¿ Z d ˆ Ë ¿ Â ½ Å Y Æ Ÿ Ê] Ë Á ¶ Ì Ë Ä Á] Ì É • Á € Œ Ø] ‡ Ä f ‹ • Y { ¾ Ë | · Y Á
.(22• ,1388 , ½ Z ³ Ø Y d • ‡ Ä { • É Á Á Ø « Ô É y Z ‰ • Ä] € Ë , ³ Z ¿
Ä f ^ Ë Ê Z « Ô É y Z Y Æ • Ä • ¯ Ÿ • Z z Ä Y ‡ ½ Ø] ¿ Ã Y { d Ì ¼ Å » Y Y , Â € Œ x] Ë • µ Z Â e • {
º Ë Ê] » • d ‡] • { • Z d ¿ ‡ • Ž Ì z Œ É e Y Æ Ä ¯ Ê · Â ½ Y Ÿ Â] À ¿ Ÿ Ê Â » e Ô . y Y Ã Y { Â Y] { • Â y €]
.(48• ,2011 Z akerian Khosravi Zadanbeh { Â ¦ Ë € e
• { { { € Ê » .. Z ^ € Ÿ Ë ½ { Z € › Å Š Ì] Ê « Ô É y Z ‰ • Ä Y • Z Z y Æ Ä •] • Ø Ä Ø] e Z Ì Ä ¿ • Z { » •
Ä d ‡ ¥ ½ Ø Ê ¯ Z Å Y ‰ • Á ‰ a Â ¹ » Z Ø ß { Ê « Ô Ê y Ÿ • Á d Y] Æ ê Ä m º Â € ê ¸ º Ÿ Å Z Â Œ ¯
Ê « Ô É y Z ¹ Å Z œ ¿ » • Z Z m Œ Ì « Ÿ ½ e { • Â Å Ä] À € Ì y ½ Ÿ € • { « Ê Ÿ Z ½ Ê f ‡ m Z Ÿ ê Ô Â ¶ Ì e · Ä]
Ê ° Ë • n Â u Ÿ Z Ä ß € ´ Ê ½ { Z € › Å Š Ì] Z Á (1379 , É | ¼ . y » Ã Y { d Ì ‡ { • Ÿ { • Â y f ‹ Ê ³ Ë Y • Z ¯
. º Ë •• Y Z Ê ¿ Ô Á y Ê Ÿ • • d Ì] € e
Z d Ë { Z Á { Y € d § Â y € • ‡ { Ã | À ¼ Ì Ì É œ • Ä Ä Ÿ » Y c Â Z m Ì Ä u • € • Ÿ É • Â ê É Ä Ÿ · Â © – Ô » y Y
Ê § € © ß Ô ? y Ì ¼ Ÿ Y { e Â y d j ¸] ¥ | Å Ä · Á Ø Ì ¸ × Ÿ Ê ¸) • ¹ Ô ‡ € Ÿ ‹ » Ä Z Ì a Z ¿ e M ‡ ½ Z Œ É Á Ë Z Y ¬ ‹
É Z Ã Å ¸ Ë € | ë a Ê Z Å ‡ Á { ³ Y € • S Å Ÿ ß Ä ¿ Z c • Á Ä Z » Á ½ Y € Z ‡] Ì Ë v { • ¶ » Z © ê Ô y € Ÿ ¯ . d Z ‡ Ø Ä { € ¯
c Z Ì µ Â • – { É { Y Á „ Ê ¿ ^ Å Á Ê » ´ À Å Â Ä ê Z Å ¼ Å ^ Z ¿ Ä Ÿ ¼ Å f Œ ½ » Z ©] Ô . y d Ÿ ‡ Ê f ^ Å · Z Ÿ
. d ‡ Ø Ä { Ê € Œ]
Ä f ^ Ë ¸ d ‡ Ê Y ¿ Ø Ê Á Ì Å } € | Ì À e » ¸ Á Ì Y Z • ¸ µ Â v Ä e ¿ Ê Å Z m Á Ë ½ Y Z d Ì ¿] Ÿ Ä ê Ë Z • Ÿ ¿ M
\ Ì e e ¾ Ë Z { ß • Ÿ ½ { Z d Ì ¿ • Y z • { É € f Œ Ë Ì ¡ Ì P ß e Â Ê Ÿ Â ¥ Â × Ê ¿ Ø Ê Á Ì • Å } € ¾ ë ¥ Y
6 Æ Œ 5 • Ð ‡ 3 0 d , É • Ã Æ (Ÿ) ½ { ¥ Ÿ d ¿ P Ÿ e Ø Ø] Ê Ø Ì] Ê Æ ß Ì Ê Ð Z U © † Æ

موضوع اخلاق، صفات و افعال اختیاری انسان می باشد؛ از این نظر که استحقاق مدح و ذم دارند و یا از ان جنبه که با کمال انسانی رابطه دارند. با توجه به اینکه حقیقت و شخصیت و در نتیجه سعادت هر انسان، افزون بر باورها، به صفات اکتسابی و افعال اختیاری وی مربوط است، اهتمام علمی و عملی به این دو، که در واقع موضوع علم اخلاق را تشکیل می دهند، اهمیت زیادی دارد. برخلاف علوم آلی و ابزاری، علم اخلاق از جمله علومی است که اهمیت ذاتی دارد و یادگیری آن فی نفسه (و نه به منزلۀ مقدمه ای برای علوم دیگر) مطلوب است و برای همگان ضرورت دارد (شمالی، ۱۳۸۹، ص۱۰).

اخلاق حوزۀ وسیع سرمایه گذاری اجتماعی در خاستگاه ، قوانین و وظایف یک اجتماع است. اخلاق سندی است که به وسیله آن جامعه می تواند تک تک افراد و گروه های کوچک را راهنمایی کند. در هر جامعه ای مجموعه ای از قواعد، هنجارهای اجتماعی وجود دارد که فعالیتهای تمام افراد انسانی را هدایت یا حکمرانی می کنند. هنجارها می توانند قوانین، دستورات، خواسته ها، انتظارات، قواعد اجتماعی و آداب و رسومی باشند که انسان را به سوی جوهره اهداف اخلاقی خوشایند و مطلوب هدایت می کند. در یک نظام اجتماعی اخلاقیات شبیه قوانینی است که عرف یا رسوم هستند (Poukka،۲۰۱۱ ،ص۲۹).

اخلاق در کنار سنن، رسوم، عادات و قوانین و حتی بالاتر از آنها اعمالی را که تماماً عناصر قابل توجه برای سازماندهی اجتماعی می باشد، است. برای یک جامعه دوام طولانی بدون قوانین اخلاقی ممکن به نظر نمی رسد. علاوه بر این عناصر پذیرفته شده جهانی نظیر خودداری از دروغگویی، قتل یا دزدی و همینطور عناصر اخلاقی که مختص به جوامع خاص است وجود دارد (Sahin، Ozturk، Unalmis ، ۲۰۰۹،ص۸۰۰).

اخلاق به عنوان یک نظام از قوانینی که عمل متقابل اجتماعی و ارتباطات اجتماعی افراد درون جوامع را تنظیم و مبتنی بر مفاهیم سعادت و خیر ، ایمان به عدالت و حقایق است؛ که چگونگی افعال انسانی بر توانایی های شناختی برای تفسیر یک موقعیت اجتماعی را تعیین می کند (Oladipo، ۲۰۰۹، ص۱۴۹).

اخلاق و اصول اخلاقی اصطلاحات اساسی در ارزش شناسی تعلیم و تربیت هستند. واژه اخلاق از واژه لاتین mores, mos به معنای عادات، روش و عرف و اخلاقیات نشأت می گیرند که به موضوعات وابسته به آداب و رسوم مربوط می شود (Poukka، ۲۰۱۱، ص۲۶).

فلسفه اخلاق

فلسفه اخلاق در واقع نوعی تفکر فلسفی درباره احکام و گزاره های اخلاقی است. در حیطۀ قلمرو فلسفه اخلاق ، سه موضوع سه موضوع «اخلاق کاربردی»، «اخلاق هنجاری» و «فرا اخلاق» قابل طرح اند. که در اینجا اخلاق تربیت که از حیطه اخلاق کاربردی است مورد بحث قرار می گیرد. اخلاق کاربردی (applied Ethics): به کاربرد اخلاقی فلسفه در زندگی واقعی توجه نشان می دهد. ارسطو معتقد بود که مطالعه اخلاق، اگر به شیوۀ زندگی فرد، تأثیر سودمندی نداشته باشد، خالی از فایده است (نیکداد، امامی، ۱۳۹۱). اخلاق کاربردی به واسطه تمرکز بر جزئیات، از دو شاخه فرا اخلاق و نظریه های هنجاری متمایز می گردد. درباره ماهیت، محتوا و شیوه های استدلال آن، اتفاق نظر وجود ندارد. ارزیابی عملکردها، حل مشکلات یا

شناسایی هنجارها و کدهای اخلاقی، به کمک محتوای درونی یا برونی و با استفاده از شیوه های بالا_ پایین یا بالعکس، از جمله مسایل نزاع برانگیز در این شاخه علمی است (خزاعی، ۱۳۸۶).

اخلاق کاربردی دو رسالت اصلی دارد: حل تعارضات اخلاقی و تطبیق قواعد اخلاقی بر مصادیق عصری و تدوین نظامات اخلاقی برای عرصه‌های نوظهور حیات بشری می‌باشد. اخلاق کاربردی بیش از این که بر امور انتزاعی ناظر باشد بر امور واقعی و عینی متمرکز است. امروزه بیش از ۲۰ شاخه اخلاق کاربردی چون اخلاق IT، اخلاق پزشکی، اخلاق تعلیم و تربیت، اخلاق ورزش، اخلاق جنگ، اخلاق سیاسی، اخلاق محیط زیست، اخلاق تجارت، اخلاق پلیس، اخلاق قضاوت، اخلاق مدیریت و ... پژوهشگران و مدرسان را در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های سراسر جهان به خود مشغول کرده است بررسی موضوعات اخلاق کاربردی و ارائه الگویی کارآمد برای حل نظری معضلات اخلاقی مستحدثه می‌تواند قوت و غنای اخلاق دینی را به نمایش گذارد. لازمه ارائه چنین الگویی ورود به مباحث تخصصی و حرفه‌ای اخلاق کاربردی است. این رشته علمی در میان ابعاد متعدد تربیتی از قبیل تربیت جسمانی، تربیت دینی، تربیت هنری، تربیت اقتصادی و تربیت سیاسی به حوزه اخلاق می‌پردازد و تلاش می‌کند به کمک منابع اصیل دینی و بهره‌گرفتن از یافته‌های علوم جدید، شیوه‌های مناسب و مبتنی بر دانش موجود برای آموزش اخلاق را شناسایی کرده و راه‌کارهای مؤثری برای ارتقاء تراز اخلاقی افراد جامعه اسلامی ارائه کند(موسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت).

رابطه فلسفه اخلاق و تعلیم و تربیت؛ فلسفه اخلاق به پرسشهایی مانند «ارزشهایی ذهنی یا عینی، ثابتند یا متغیر؛ سلسله مراتب دارند یا نه؟» پاسخ می‌گوید. این پاسخها در شیوه ارتباط معلم و شاگرد تعیین ارزشهایی مقبول و تصمیم گیریهای تربیتی، نقش اساسی را ایفا می‌کند; مثلا اگر مربی منکر سلسله مراتب ارزشها شد و بر این باور بود که هرگاه فعالیتی موجب برآورده شدن نیاز فوری شود، دارای ارزش است، او قطعا عمل تربیتی خود را بر این مبنا تنظیم می‌کند. رابطه تعلیم و تربیت، علوم تربیتی و دانشهای اخلاقی را می‌توان به طور مختصر، اینگونه ترسیم کرد: اگر مربی و متربی را محور و موضوع بحث این دو رشته فرض کنیم، علوم تربیتی الگوها و روشهایی برای هدایت عمل مجریان امر تربیت ارائه می‌کند و دانشهای اخلاقی بخشی از برنامه و محتوایی را که مجریان به آن نیازمندند نشان می‌دهد، در بیان رابطه علوم تربیتی و دانشهای اخلاقی می‌توان گفت که دانشهای اخلاقی بویژه فلسفه اخلاق، به عنوان مبنا، برای انتخاب الگوها روشها نقش ایفا می‌کند (نوذری، ۱۳۸۷).

دانش اخلاق عهده دار بیان ارزش ها و ضد ارزش ها، و خوب و بدهاست. «اخلاق»،رفتار و صفات اختیاری انسان را ارزش گذاری می کند و نظام شایسته و ناشایست را معین می سازد. «تربیت اخلاقی» نیز فرآیند درونی شدن ارزش ها ی اخلاقی و شکل گیری پایدار شخصیت انسان بر اساس ویژگی های انسان کامل اخلاقی را بر عهده دارد. «تربیت اخلاقی» مسیر گذار از وضعیت موجود (دامنه ای که مبدأ حرکت انسان است) به سوی قلهٔ کمال را نشان می دهد و به انسان کمک می کند تا سیمای آرمانی و صورت ایدئال انسان اخلاقی را در وجود خویش پدید آورد.«تربیت اخلاقی» تحقق عینی مکارم اخلاق و تجلی بارز همه آموزه هایی است که دانش «اخلاق» بدان فرا خواند (عالم زاده نوری، ۱۳۸۹،ص۶۶).

ارزش های اخلاقی اعتقاداتی هستند که توسط افراد و گروه های کوچک اجتماعی از افراد دربارۀ آنچه را در رفتار انسانی درست یا نادرست است و تمییز بین آن دو را نگه می دارد (Abdullah، Abd.Ghani، Mahmud،Salleh، ۲۰۱۰،ص۱۰۶).

اخلاق در مشرب شهاب الدین سهروردی

بنیان‌گذار مشرب فکری اشراق ، شهاب الدین سهروردی« شهاب الدین یحیی بن حبش بن امیرک سهروردی» (۵۴۹ ـ ۵۸۷ق) است که پیوندی بین اندیشه ایران باستان و اندیشه اسلامی ایجاد کرده است. سهروردی هماهنگی و سازگاری انسان و جامعه را با نظام کیهانی لازم می‌داند، چرا که معتقد است در پرتو آموزه هماهنگی با نظام کیهانی، وجود آدمی مشرقی و نورانی می‌شود (دیلمی صالحی، ۱۳۸۱، ص۱۱۶).

شیخ اشراق شهاب الدین سهروردی چون شهابی در آسمان حکمت و عرفان اسلامی به سرعت عبور کرد و در دوره کوتاه اقامت خود در این عالم پائین مکتب نوینی در حکمت اسلامی تأسیس کرد روش استدلالی را با اشراق بیامیخت و غایت فلسفه را نجات نفس از زندان ظلمانی هوی و هوس نفسانی دانست. ریاضت و تزکیۀ نفس را لازمه علم کامل دانست و در تلفیق فلسفه و دین و نیز فلسفه یونانی و حکمت ایران باستان کوشید. او عارفی بود مسلمان که در آئینه عرفان اسلامی صور و افکار و عقاید حکمت پیشینیان را از یونان و ایران و بابل و هند مرئی ساخت و احیاء کرد (نصر، ۱۳۴۵، ص۱۷).

به سبب این توجّه خاصّ حکمت اشراقی به مباحث شهودی است که می توان علم‌النّفس را مقدّمه‌ی ضروری حکمت ذوقی و کلید درک فلسفه ی سهروردی دانست. علاوه بر این، او خود کمال و رستگاری را وابسته به معرفت نفس می داند (اسکندری، ۱۳۸۹).

سهروردی تنها به نیروی عقل و قیاس برهانی اکتفا نمی کند ، بلکه شیوه استدلالی محض را با سیر و سلوک قلبی همراه می سازد. سهروردی برای تدوین فلسفه خویش منابع متعددی داشت که با گردآوری آنها و تنظیم شگفت انگیز ایشان در کنار هم فلسفه ی نوین خود را پایه گذاری کرد. این منابع به سه دسته کل تقسیم شده اند:

حکمت الهی یونان ، سهروردی بر خلاف فیلسوفان پیشین که تنها به ارسطو توجه ویژه ای داشتند شیفته فیثاغورث و امپدکلوس و به ویژه افلاطون بود ، تا حدی که افلاطون را پیشوای حکمای اشراق می داند.

حکمت مشاء ، بدون شک این حکمت مشائی بود که مقدمه‌ی اشراق شده است. سهروردی با گردآوری آثار مشائین به خصوص ابن سینا توانست اینگونه از آرا مشاء را در حکمت اشراق استفاده کند.

حکمت ایران باستان ، از نکات برجسته و جالب توجه سهروردی علاقه‌ی خاص او به حکمت پارسی باستان است به خصوص شخص زردشت است. این توجه ویژه به حدی است که برخی اصطلاحات حکمت اشراق را از اوستا و منابع پهلوی گرفته است . او در کتاب حکمت الاشراق ، زردشت را حکیم فاضل نامیده و حتی خودش را زنده کننده حکمت ایران باستان دانسته است. جالب آنکه شیخ مانی و مزدک را مصلحین زردشتی گری نمی داند بلکه آن دو را نکوهش کرده و بدعت گذار نامیده است (سامی، ۱۳۹۰).

شیخ سهروردی همچون بسیاری دیگر از متفکران برجستهٔ اهل طریقت برای رسیدن به مرحلهٔ درک علوم عمیق الهی در رسوم صوفی گری با تفسیر قرآن ، سنن پیامبر تحت عنوان حدیث و کتاب که از مشایخ اهل تصوف قبل از او ثبت شده و باقی مانده است آزموده شده است (Ul Huda، ۲۰۰۴، ص۴۶۴).

شیخ اشراق در برخی از آثار خود به پیروی از مشائیان ملاک ارزش اخلاقیات را همان اعتدال و دوری از افراط و تفریط دانسته است. اما دیدگاه ویژه او در این باره قرب الهی است؛ یعنی اساس کمال ، توجه تام به نور الانوار و انقطاع به سوی او است و تمامی خلق ها آن گاه دارای این قرب گردد، یا به آن خلل وارد سازد، بی ارزش است (خادمی، گل آقایی،۱۳۸۹،ص۴۳).

دیدگاه های اخلاقی سهروردی مبین رویکرد ارزشی او محسوب می شود. از نظر وی هدف اخلاق، عبارت است از بریدن از عالم ظلمت و چاه ظلمانی و رسیدن به عالم نور، اتصال به نور الانوار و خلیفهٔ الله شدن در زمین و راه رسیدن به این مقام، تخلق به صفات نیک اخلاقی و دوری از صفات بد و ناپسند است.

ارزش های اخلاقی از دیدگاه او عبارت است از : **الف) ارزش های اخلاقی**: ارزش هایی که در ارتباط با خدا ، باید رعایت شود، مانند پیروی از اوامر و ترک نواهی. **ب) ارزش های فردی**: آنچه در رشد فردی آدمی مؤثر است. مانند محاسبه نفس، ریاضت ، صبر و استقامت. **ج) ارزش های اجتماعی**: مواردی در ارتباط آدمی با دیگران باید مراعات شود. نظیر پرهیز از ظلم (شرفی جم، خلیلی، ۱۳۸۹، ص۸۹).

نیل به سعادت حقیقی، بدون داشتن «اخلاق الهی» و «زندگی سالم جهت رشد و تکامل انسانی» امکان‌پذیر نیست. آنچه امروز به آن نیازمندیم، دانستن اهمیت سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیق فرهنگی برای رسیدن به این هدف است (کبیری، معلمی، ۱۳۸۸، ص۶۹).

نظام اشراقی سهروردی دارای اصول اخلاقی است که آینده را به طور مناسبی مورد وارسی قرار می دهد. یکی از دلایل توجه به آخرت و آخرت شناسی سهروردی و بحث های وی دربارهٔ حقیقت توجه به زندگی پس از مرگ است برای اینکه دیدی اجمالی از آنچه را که ممکن است نیکی و زندگی اخلاقی را در این دنیا تشکیل دهد بدست آورد (Marcotte، ۲۰۱۲، ص۱۳)

اخلاق و تربیت

انسان برای زندگی اجتماعی خود ناگزیر از وضع قوانین و اطاعت از آن است. در اجتماع، قوانین سعی می کنند حدود هر کس را تعیین و آنان را موظف به رعایت حقوق دیگران نماید. این قوانین گاه به مقررات اجتماعی و گاهی به اخلاق اجتماعی شهرت پیدا کرده اند. این مقررات و یا اخلاق اجتماعی در واقع نیازی ثانوی برای زندگی اجتماعی انسان به شمار می آیند.

انسان به طور طبیعی نیازمند به این گونه قوانین نیست، بلکه از آن جائی که برای رفع حوائج خود ناگزیر از زندگی اجتماعی است، لذا این مقررات را برای تنظیم حیات اجتماعی خویش وضع و رعایت می کند. مقصود از نیاز انسان به اخلاق، نیاز به مقررات اجتماعی و بین فردی نیست، بلکه مقصود از نیاز به اخلاق، تمایل طبیعی آدمی برای داشتن کمالات و خیرات اخلاقی است.

انسان گذشته از این که در اجتماع زندگی می کند، فضیلت را دوست دارد و طالب آن است. انسان اگر در جهان به تنهائی هم زندگی کند، باز خود را مجاز به انجام هر کاری نمی داند. او از این که بر نفس خویش مسلط باشد، احساس لذت می نماید و این سرمایه اولیه اخلاق به شمار می آید. آدمی از ضعف خویش در مقابل خواسته ها و تمایلات، احساس ناخرسندی می نماید. از این رو از ضعف عقل گریزان بوده و تمایل به حاکمیت عقل بر حیات خویش دارد. و اخلاق نیز از عقل ناشی می شود (احمدی، فراهانی ، ۱۳۷۳، ص۵-۱۶۴).

یک از مسائل مهم واساسی در سلسله مباحث فلسفی آموزش و پرورش، موضوع ارزش هاست. زیرا یکی از کارکردهای اساسی آموزش و پرورش انتقال ارزش های نظام ارزشی جامعه است . این موضوع درسابقه اندیشه های بشری جلوه ای متمایز داشته و در زمانه ماهم به یکی از پرچالش ترین مباحث فلسفی تبدیل شده است . به گفته دونالد باتلر تربیت بیش از هر نهاد دیگر با ارزش ها سر و کار دارد و هیچ نهاد دیگری به اندازه این نهاد به دنبال تحقق ارزشها نیست و به گفته جورج نلر در آموزش و پرورش همه جا سخن از ارزش هاست. (نلر ، ۱۳۷۷، ص ۲۸).

هدف تربیت اخلاقی، پرورش استعدادهای درونی انسان برای ایجاد و رشد صفات و رفتارهای پسندیدۀ اخلاقی است (طباطبایی،۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۵۷).

اما اخلاق نیز ماهیت و تعریفی دارد که تنها به معنای اصطلاحی آن بسنده می شود: «اخلاق گاهی به معنای صفات نفسانی استعمال می شود و گاهی به عنوان صفت فعل به کار می رود یعنی کار اخلاقی».«علم اخلاق، علمی است که از انواع صفات خوب و بد، صفاتی که ارتباط با افعال اختیاری انسان دارد بحث می کند و هم چنین کیفیت اکتساب این صفات و یا دور کردن صفات رذیله و زشت را نشان می دهد» (مصباح،۱۳۷۶، ص ۱۰_۹).

«تربیت» نیز در لغت از دو ریشۀ «ربو» و «ربب» اشتقاق یافته است؛ از ریشۀ «ربو» بیشتر ناظر به پرورش جسمی و به معنای «افزودن» و «پروراندن»، و از ریشۀ «ربّ» بیشتر ناظر به پرورش روحی و معنوی و به معنای «سرپرستی کردن»، «رهبری کردن» و «به اعتدال رساندن» است(زبیدی،۱۳۸۶،ج۲ص۴۶۴؛ جوهری،۱۳۸۶،ج۴،ص۲۳۵۰)

تربیت از نظر دانشمندان تربیتی، فعالیتی منظم و تدریجی برای کشف استعدادها و از قوه به فعلیت رساندن آنهاست (حاجی ده‌آبادی،۱۳۷۷،ص ۱۲). تربیت‌به معنای عمل و جریانی که در حیات انسانی به چشم می‌خورد ، فرایندی پیچیده دارد و دارای جنبه‌های گوناگونی است. فلاسفه و متفکران زیادی در تاریخ اندیشه در این باره به طور صریح یا ضمنی اظهار نظر کرده‌اند (نوذری، ۱۳۸۷). موضوع تربیت اخلاقی، نفس انسان است که افعال زیبا و زشت به طور ارادی از او صادر می‌شود (طوسی، ۱۳۶۴، ص۴۸).

رابطه اخلاق و تربیت؛ تربیت‌به معنای عمل و فرایندی که در زندگی انسانها جریان دارد، مفهومی است که بر همه اجزای این فرایند (هدف، روش، موضوع، محتوا و محیط تربیتی) اطلاق می‌شود. به علاوه، نسبت‌به همه ساحتهای انسان (عاطفی، اجتماعی، ذهنی، بدنی و معنوی) شمول دارد. برخلاف اخلاق که مفهومی بسیط دارد و بر یک صفت نفسانی انسان دلالت دارد.

رابطه علم اخلاق و تربیت؛ علم اخلاق در قالب هنجاری آن، هدف غایی زندگی خوب را ترسیم می‌کند؛ آنچه شایسته گفتار و کردار استبه ما نشان می‌دهد؛ تغییراتی را که در حکم اخلاقی در نتیجه تحولات اجتماعی پیدا می‌شود بررسی می‌کند. مجموعه این مسائل، مبنایی برای عمل درست فراهم می‌کند. این مبنا بخشی از محتوا و برنامه‌ای است که مربی در عمل تربیتبه آن نیاز دارد . در زمینه روشها، علم اخلاق چگونگی اتصاف به صفات خوب و زدودن صفات بد را به ما نشان می‌دهد (نوذری، ۱۳۸۷).

در هم تنیدگی فرایند تربیت و اخلاق موجب شد که مرز مشخصی در گذشته میان این دو تصویر نشود و فرایند تربیت با اخلاق همسان پنداشته شوند و اخلاقی بودن به مثابهٔ تربیت یافتگی انگاشته شود. جالب است بدانیم بسیاری از صاحب نظران تعلیم و تربیت اسلامی کمتر واژهٔ تربیت را به کار برده اند و به جای آن از واژگان تعلیم، تربیت، تهذیب، تزکیه، تخلق به اخلاق، تأدیب، ریاضت، تدبیر سیاست و .... بهره برده اند و این بدان جهت است که واژگان تربیت به معنای آموزش و پرورش متربی و به معنای برانگیختن و فراهم آوردن موجبات شکوفایی و رشد تمامی توانایی و شئون وجودی آدمی، در گذشته اصلاً مصطلح نبوده و یا اخلاق و تربیت را آن چنان درهم تنیده می دانستند که تربیت بدون اخلاق را غیر قابل تحقق می دانستند و با این که باور داشتند تربیت بدون پرتو افکنی اخلاق امری ناصواب و بی سرانجام است (بهشتی، ۱۳۸۱، ص۱۸).

بحث و نتیجه گیری

تعلیم و تربیت طی قرون متمادی تنها بر ملاحظات فلسفی و اخلاقی مبتنی بوده، امروزه نیز به رغم تسلط دانش بشر در زمینه های زیست شناسی، جامعه شناسی و روانشناسی بر تعلیم و تربیت، باز این نکته آشکارتر شده که علم و دستاورد های فنی آن نه تنها کافی نیست بلکه همچنان باید ملاحظات اخلاقی و فلسفی مهم اصلی را در تعلیم و تربیت بر عهده داشته باشد زیرا بررسی اهداف و غایات تربیت نه در صلاحیت علم و نه در حد تکنیک بلکه فقط در صلاحیت فلسفه و اخلاق است.

بر این اساس می توان گفت تربیت فرایندی است که با آموزه ها و یافته ها و با علوم بسیاری از جمله: زیست شناسی، روان شناسی، روان شناسی تربیتی، روان شناسی اجتماعی ، جامعه شناسی، جامعه شناسی تربیتی، دین و فلسفه، اخلاق و ... سر و کار دارد و مبانی علمی ، فلسفی و دینی خود را از یافته ها و آموزه ها به دست می آورد و ملاحظات اخلاقی یکی از مبانی تربیت به شمار می آید که با توجه به آنها تربیت شکل می پذیرد بدین تربیت می توان جایگاه فرایند تربیت را در ارتباط با فرایند اخلاق به دست آورد و تفاوت این دو را واکاوید.

با بررسی موضوع مشخص می شود که دیدگاه این فیلسوف ترکیبی از ایدئالیسم و رئالیسم خداباورانه می باشد. با توجه به اینکه ارزش های اخلاقی از دیدگاه سهروردی عبارت است از : **الف) ارزش های اخلاقی**: ارزش هایی که در ارتباط با خدا ، باید رعایت شود، مانند پیروی از اوامر و ترک نواهی. **ب) ارزش های فردی**: آنچه در رشد فردی آدمی مؤثر است. مانند محاسبه نفس، ریاضت ، صبر و استقامت. **ج) ارزش های**

اجتماعی: مواردی در ارتباط آدمی با دیگران باید مراعات شود. اخلاق اجتماعی در واقع نیازی ثانوی برای زندگی اجتماعی انسان به شمار می آیند. نظیر پرهیز از ظلم. نظام اشراقی سهروردی دارای اصول اخلاقی است که آینده را به طور مناسبی مورد وارسی قرار می دهد. و از نظر وی اخلاقی بودن به مثابهٔ تربیت یافتگی انگاشته می شود. و سهروردی بر اساس آزادی فکر و قدرت ابتکار و به اقتضا شرایط روش های متنوعی بکار می گیرد. و بر این اساس جهت ترویج و توسعه اخلاق تربیت، ضروریست بر اساس ارتباط چهارگانه زیر عمل شود. نخست ارتباط انسان با خود ؛ یعنی انسان بتواند با خود ارتباط برقرار نموده و خود را خوب بشناسد که مقدمه سایر شناخت ها می باشداز لحاظ استعدادها، توانایی ها و کمبودها و چگونگی رابطه علت و معلول و... هویت یابی فرد که پایه سایر شناخت ها می باشد. پس از آن ارتباط با دیگران که آن هم بر اساس شناخت ایجاد می گردد. بعد از کسب معرفت نسبت به خود و دیگران وجود تفاوت های فردی، وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت لازمه این شناخت می باشد. پس ارتباط با طبیعت که بدون کسب معرفت نسبت به طبیعت و نظم و تعادل در آن و هستی شناسی آن ناممکن بوده و از گردش در آسمانها و زمین وجود تعادل و نظم در آن پی به وجود بهتر خالق هستی می بریم که باید ارتباط صحیح برقرار کنیم و در نهایت ارتباط با خدا به عنوان مبدأ و سرچشمه هستی ها و ارتباطات است کسی که واجب الوجود می باشد. بر این مبنا جهت تحقق شناخت های چهارگانه و ارتباط با خود و با دیگران و داشتن اخلاقی که بیانگر تربیت باشد و تعادل بخشی فرد وجود قوانین تسهیل گر همچون نقشه جامع علمی کشور ، سند تحول بنیادین، چشم انداز بیست ساله جهت پرورش ذهن و تفکر و کسب معرفت در حوزه های چهارگانه ضروری است. وتوسعه فرهنگی زمان گیر و نیاز به مدیریت اقتضایی دارد. فلذا اگر بر اساس دیدگاه فلسفی سهروردی عمل نماییم در واقع انسان متعادل و فکور را تربیت خواهیم نمود. که می تواند با خودش و دیگران ، با طبیعت و خدا ارتباط صحیحی برقرار کند و تعادل و توازن را را در زندگی فردی و اجتماعی و مادی و معنوی داشته باشد. و بدون افراط و تفریط رشد مطلوبی را می نماید

پیشنهادها

پیشنهاد می گردد:

۱.ساختار سیستم تربیتی اصلاح و قوانین تسهیل گری جهت بهره گیری از این دیدگاه فلسفی در کشور تصویب گردد.۲. تجدید نظر اساسی در بخش های برنامه درسی کشور صورت گرفته و عناصر تعقل و تفکر،ایمان و باور، علم و عمل و اخلاق به شیوه متعادل در ارتباط با بخش های چهارگانه مذکور لحاظ شود. ۳.ضمن تأمل و تحقیق بیشتر در خصوص این دیدگاه فلسفی و بهره مندی بیشتر از آن درتربیت کشور براساس نیازجامعه به شیوه اقتضائی آن را مدیریت نمود ، تربیت اخلاقی بر مبنای فلسفه تربیتی سهروردی همراه با مدیریت اقتضایی پیشنهاد می گردد.

فهرست منابع

- احمدی، علی اصغر؛ فراهانی، محمدتقی (۱۳۷۳)روان شناسی عمومی، تهران، وزارت آموزش و پرورش، شرکت چاپ و نشر ایران (دفتر برنامه ریزی و تالیف کتب درسی).

- اسکندری، حمیدرضا (۱۳۸۹) نفس و عوامل مؤثّر در تکامل آن از دیدگاه سهروردی ، اخلاق(فصلنامه تخصصی دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان)، شماره ۲۱
- بهشتی، محمد (۱۳۸۱) تربیت، اخلاق و تربیت اخلاقی، مجله معارف ، شماره ده، بهمن .
- جوهری، اسماعیل حمّار(۱۳۸۶ ج۴) الصّحاح، بیروت، امیری.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی(۱۳۷۷) درآمدی بر نظام تربیتی اسلامی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- خادمی، عزت؛گل آقایی، معصومه (۱۳۸۹) تربیت عرفانی از دیدگاه سهروردی، فصلنامه تأملات فلسفی، سال دوم، شماره پنجم، بهار، صص ۵۶_ ۳۷.
- خزاعی، زهرا (۱۳۸۶) **اخلاق کاربردی: ماهیت، روش ها و چالش ها**، پژوهش های فلسفی – کلامی (دانشگاه قم) ، پاییز.http://www.sid.ir .
- دیلمی صالحی،بهروز(۱۳۸۱) آموزه هماهنگی با نظام کیهانی در فلسفه اشراق سهروردی، مجله پژوهش های فلسفی _کلامی ، شماره ۱۳ & ۱۴، صص ۱۲۸_۱۱۶.
- رضانژاد، غلامحسین (۱۳۶۰) شیخ مقتول، شهاب الدین سهروردی و حکمت اشراق، مجله چیستا ، شماره ۲، مهر، صص ۱۸۷ تا ۱۹۷.
- زبیدی، محمد مرتضی (۱۳۸۶ج۲) تاج العروس من جواهر القاموس، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (منبع الکترونیکی). http://lib.ahlolbait.ir
- سامی ، حشمت (۱۳۹۰) شیخ شهاب الدین سهروردی، آذر،http://sameyh.blogfa.com .
- سهروردی، شهاب الدین یحیی (۱۳۸۰) حکمه الاشراق، تصحیح و مقدمهٔ هانری کُربَن،تهران، پژوهشگاه (چاپ سوم).
- شرفی جم، محمدرضا؛ خلیلی، سمانه (۱۳۸۹) بررسی تطبیقی مبانی فلسفی شیخ اشراق و برگسون و دلالت های تربیتی آن، دوفصلنامه تربیت اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۱، پاییز و زمستان، صص ۱۱۰_۸۱.
- شمالی، محمد علی (۱۳۸۹) علم اخلاق و فلسفهٔ اخلاق؛ تأملی دربارهٔ حوزه های مختلف مطالعات اخلاقی، معرفت اخلاقی، سال اول، شماره سوم، تابستان، ص ۲۶_۷.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۳) المیزان، ترجمهٔ سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، نصیرالدین محمد (۱۳۶۴ چاپ۳) اخلاق ناصری، تهران، خوارزمی
- عالم زاده نوری، محمد (۱۳۸۹) راهبرد تربیت اخلاقی (استراتژی تحول اخلاقی و معنوی)، معرفت اخلاقی، سال دوم، شماره اول، زمستان، صص ۹۴_۶۵.
- فرهود، داریوش(۱۳۸۶) مروری بر تاریخچه اخلاق همراه با گردآوری زمینه های گوناگون اخلاق، فصلنامه اخلاق در علوم و فنّاوری، سال دوم، شماره های ۱ & ۲، بهار و تابستان، صص۶_۱.

- کبیری، زینب؛ معلمی، حسن (۱۳۸۸) مبانی و شیوه های تربیت اخلاقی در قرآن کریم از دید گاه علامه طباطبایی،معرفت اخلاقی، سال اول، شماره اول، زمستان، صص ۹۰_۶۷
- محمدی ، مجید، ۱۳۷۹ ، نظام های اخلاقی دراسلام و ایران ، انتشارات کویر ، تهران.
- مسعودی فر، جلیل (۱۳۹۰) عقل و عشق در نظر سهروردی، انتشارات الکترونیکی تاریخ ما http://PDF.Tarikhema.ir ،.
- مصباح، محمد تقی (۱۳۷۶) دروس فلسفه اخلاقی، تهران، انتشارات اطلاعات.
- موسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت ، نکته‌های اخلاقی،http://www.oveice.com
- نجارزادگان، فتح الله (۱۳۸۸) رهیافتی بر اخلاق و تربیت اسلامی، قم نشر معارف.
- نصر، سید حسین (۱۳۴۵)، **نکاتی چند درباره: شیخ اشراق شهاب الدین سهروردی**، معارف اسلامی(سازمان اوقاف) ،شهریور، شماره ۱ ، صص ۱۸_۱۶.
- نلر، جی ، اف ، ۱۲۷۷ ،آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش، مترجم:فریدون بازرگان ، سمت ، تهران.
- نوذری، محمود (۱۳۸۷) رابطه اخلاق و تربیت چگونه است؟ ، حوزه و دانشگاه، شماره ۵،آذر، http://akhlagh.ir.
- نیکداد، امید؛ امامی، مهدیه(۱۳۹۱) چیستی فلسفهٔ اخلاق، سفیر، سال ششم، شماره بیست و یکم، بهار ،صص۱۲۲_۱۰۳.
- هاشمی اردکانی، سید حسن؛ نوروزی، رضا علی؛ بختیار نصر آبادی، حسنعلی (۱۳۸۷)، درآمدی بر معرفت شناسی سهروردی و دلالت های تربیتی آن، صدوفصلنامه تربیت اسلامی،سال سوم، شماره شش، ، بهار و تابستان، صص ۱۸۰_۱۶۱.

- Abdullah, Sallah. Amal, Salleh. Zuria,Mahmud. Abd.Ghani, Saedah(2010)**Moral Value Inventory for Muslim Adolescents**. International Conference on Learner Diversity. Pp106_112.www.elsevier.com.
- Khosravi Zadanbeh, Monireh. Zakerian,Mojtaba (2011) **A comparison of moral competence between Iranian male and female elementary students**.World Conference on Psychology, Counselling and Guidance. pp48_52. E_mail address : mojtaba Zakerian@gmail.com
- Oladipo. S.E (2009) **Moral Education of the Child: Whose Responsibility? .**,Department of Counselling Psychology **,**Tai Solarin University of Education (Tasued) Ijagun**,** Ijebu Ode **,** Nigeria . J Soc Sci. 20 (2): 149_156. E_ Mail: Kingola2001@yahoo.com
- Marcotte, Roxanne (2012) **Suhrawardi.** *substantive revision***.** http://plato.stanford.edu/entries/suhrawardi.

- Poukka. Paivi (2011**) Moral Education in the Japanese Primary School Curricular Revision at the Turn of the Twenty _first Century: Aiming at a Rich and Beautiful Kokoro**. Japan. University Helsinki.
- Sahin,Pukiye. Ozturk, Safak. Unalmis,Mehmet (2009) **Professional ethics and moral values in Akhi institution**. World Conference on Education Sciences (Gaziosmanpasa University , Tokat, Turkey_ Ondokuz, Mayis University , Samsun, Turkey) . pp 800_804.E_mail address : rukiyesahin@gopedu.tr.

Ul Huda, Qamar **(2004)The Light beyond the Shore in the Theology of Proper Sufi Moral Conduct (Adab)**. Journal of American Academy of Religion. Vol72. N2. June. Pp461_484.